

تحلیل نظام‌مند پژوهش‌های سبک زندگی بعد از دهه ۸۰

سیدحسین سراج‌زاده^۱، لیلا باقری^۲

چکیده

در سال‌های اخیر سبک زندگی به‌عنوان یک ساز و کار بروز تفاوت‌های ذاتی افراد در چگونگی گذران اوقات فراغت، مدیریت بدن و مصرف فرهنگی، توسط متخصصان رشته‌های مختلف به‌ویژه علوم اجتماعی برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری توجه شده است. شناخت روند پژوهش‌های انجام شده با تمرکز بر کم و کیف دانش تولید شده در این حوزه از اهداف این مقاله بوده است. برای دستیابی به این منظور، ۵۹ منبع علمی؛ مقاله، پایان‌نامه و کتاب (حاصل پژوهش و مجموعه مقالات پژوهشی) از طریق جست‌وجوی واژه «سبک زندگی» در اطلاعات ایران، کتابخانه ملی، مجلات تخصصی نور، اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و کتابخانه‌های دانشگاه‌های شهر تهران شناسایی و با استفاده از روش مرور نظام‌مند بررسی شدند. نتایج نشان داد که بیش از دو سوم پژوهش‌های سبک زندگی بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ انجام شده است. شش‌گونه سبک زندگی از این پژوهش‌ها استخراج شد که بیشترین گونه‌های بررسی شده به ترتیب به سبک زندگی شبه مدرن (۳۴/۱۲ درصد)، پیشامدرن یا سنتی (۲۸/۹۴ درصد)، لذت‌محور، علم‌محور، جهان‌محلی و ورزش‌محور اختصاص داشته است. توجه به سبک زندگی با تمرکز بر بررسی رابطه آن با متغیرهای سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی و دینداری بیشترین میزان بررسی در این عرصه را به خود اختصاص داده است.

واژه‌های کلیدی

سبک زندگی، تحلیل نظام‌مند، مصرف فرهنگی، مدیریت بدن، اوقات فراغت

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۹/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۳/۲۱

serajsh@yahoo.com

۱ دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی

۲ دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (نویسنده مسئول)

lbsociology@yahoo.com

۱. مقدمه

سبک زندگی، از جمله مکانیسم‌های تمایزبخش در جامعه است که سبب توجه دانشمندان علوم اجتماعی شده است. «این مفهوم در دهه ۱۹۵۰ نمایانگر جایگاه اجتماعی افراد بود و با افزایش سطح رفاه، فراغت نسبی گروهی از مردم، همچنین شیوه‌های جدید نمایش و تبلیغات کالا، «مصرف» و «اوقات فراغت» به عنوان شاخص‌های اصلی سبک زندگی مطرح شدند (بندیکتر و آنهای^۱، ۲۰۱۱: ۳؛ بل و هالوس^۲، ۲۰۰۶: ۸)» و ادبیات جدیدی با عنوان «سبک زندگی^۳» در قرن نوزدهم میلادی وارد عرصه جامعه‌شناسی شده است.

ذوق و سلیقه شخصی افراد، سبک‌های متنوع زندگی و همچنین فضاهای متفاوت اجتماعی، فرهنگی و فکری را برای هر کدام از گروه‌های اجتماعی به دنبال دارد. از این‌رو، هر یک از انواع سبک‌های زندگی روایت خاصی را در جامعه متناسب با فضای فرهنگی آن جامعه بازنمایی می‌کند.

شکل‌گیری سبک زندگی از سویی تحت تأثیر ویژگی‌های فردی، تحصیلات (کاتز جرو^۴، ۱۹۹۹)، جنسیت (بیپهگن^۵ و کاتز جرو، ۲۰۰۰)، انواع سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی (بوردیو^۶، ۱۹۸۴)، پایگاه اقتصادی - اجتماعی (الیاسی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۸۹؛ حقیقتیان و همکاران، ۱۳۹۰) و از سویی دیگر تحت تأثیر ساختار فرصت‌ها و انتخاب‌های فردی (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۵۶) است. ساختار دولت و جامعه همواره در ارتباطی مستقیم و متقابل بوده و این ارتباط در شکل‌گیری و تغییر سبک زندگی نقش دارد؛ بنابراین، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی به‌عنوان ابزار منطقی رسیدن به هدف، از مؤلفه‌های اساسی دولت‌ها محسوب می‌شود که مبنای آن تحقیق و پژوهش است و سیاستگذاری در سبک زندگی از این امر مستثنی نیست. به بیان چنی^۷، «هرگونه سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در زمینه مدیریت اجتماعی، مستلزم کشف چشم‌اندازهای بی‌شمار سبک زندگی و جامعه است» (چنی، ۱۹۹۶: ۶۱).

به این علت که گفتمان دینی سنگ‌بنای حکومت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است، در چند سال اخیر به سبک زندگی اسلامی توجه نشان داده شده است. اهمیت سبک

1. Benedikter and Anheier
 2. Bell and Hollows
 3. Lifestyle
 4. Katz-Gerro
 5. Bihagen
 6. Bourdieu
 7. Chaney

زندگی اسلامی تا حدی بوده است که در سال ۱۳۹۰ رهبری بر آسیب‌شناسی سبک زندگی اسلامی و حل این معضل در سطح فردی و اجتماعی تأکید کرده است. «در راستای تحقق مطالبات رهبر در بند ۴ از پیوست حکم انتصاب اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۹۰/۳/۱۷ مبنی بر طراحی و تدوین برنامه‌ای جامع برای ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی در کشور و زمینه‌سازی برای اجرایی شدن آن توسط دستگاه‌های مسئول، «کمیسیون تدوین برنامه جامع سبک زندگی اسلامی - ایرانی» در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تشکیل شد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۵)»^۱.

با توجه به اهمیت سبک زندگی و نیاز کشور به پژوهش در این زمینه، تقریباً یک دهه است که پژوهش‌های این حوزه در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشور با اقبال روبه‌رو شده است. اما آنچه به‌عنوان مسأله مهم و اساسی درخصوص سبک زندگی در کشور ما مطرح است، توجه به ابعاد مختلف و وجوه گوناگون سبک زندگی در نهادهای متولی است و اینکه سبک زندگی در چه مسیری و با چه اهدافی تعریف، برنامه‌ریزی و اجرا شده است؟

حال با توجه به تفکرات دینی و ارزشی حاکم بر جامعه، تأکید بر سبک زندگی اسلامی، عدم تلفیق بین مباحث نظری و عملی سبک زندگی مطرح در ادبیات علوم انسانی و اسلامی و آسیب‌هایی که منجر به آشفتگی نظری و عملی سبک زندگی در کشور شده است، ضروری است بر مبنای یافته‌های علمی و پژوهشی، منطبق با شرایط سبک زندگی مردم در جامعه، ابتدا دانش مورد نیاز تولید شده و سپس در آن سیاستگذاری و برنامه‌ریزی صورت گیرد.

تاکنون حجم زیاد و پراکنده‌ای از پژوهش، پایان‌نامه و مقاله درباره سبک زندگی انجام شده اما منجر به دانش عینی و کاربردی و رفع مسائل اجتماعی در این حوزه نشده و در بعضی موارد نتایج پژوهش‌ها متناقض بوده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر برای نمونه اشاره کرد: حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۰) و پیراهری و عبیدی (۱۳۹۲) معتقدند بین جنسیت و سبک زندگی مصرفی دانشجویان رابطه معنادار وجود نداشته است در حالی که عبدالکریم (۱۳۸۹) به نتیجه عکس دست یافته است. همچنین کریمی (۱۳۸۹) بر اساس نتایج پژوهش خود اذعان داشته که بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و اوقات فراغت دانشجویان رابطه معنی‌دار وجود نداشته است، در صورتی که خانی (۱۳۸۶) به نتیجه‌ای عکس دست یافته است.

1. Szei.farhangolm.ir

این مقاله با توجه به عملکرد عرصه علمی و پژوهشی کشور در موضوع سبک زندگی و استخراج دانش کاربردی نهفته در این پژوهش‌ها، به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر بوده است: در سبک زندگی در دهه‌های اخیر، چه روندی در عرصه پژوهشی و دانشی حاکم بوده است؟ در پژوهش‌های انجام شده سبک زندگی به چه موضوعات و محتوایی توجه نشان داده شده است؟

گونه‌شناسی سبک زندگی بر اساس پژوهش‌های انجام شده چیست؟ پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند در آسیب‌شناسی پژوهش‌های سبک زندگی در سال‌های گذشته، تلاش در جهت تولید مبانی دانشی و نظری بومی، همسو و هماهنگ با چشم‌اندازهای کلان کشور به شکل‌گیری مطلوب وضعیت سبک زندگی در جهت کمی و کیفی کمک نماید. چون این مطالعه، به مرور نظام‌مند پژوهش‌های پیشین می‌پردازد و پژوهشی کیفی است، همچنین قصد اجرای نظریه‌ای را نداشته است، چارچوب نظری مشخصی اتخاذ نشده است بلکه در تحلیل پژوهش‌های پیشین، نظریه‌های استفاده شده در آن پژوهش‌ها معرفی شده‌اند.

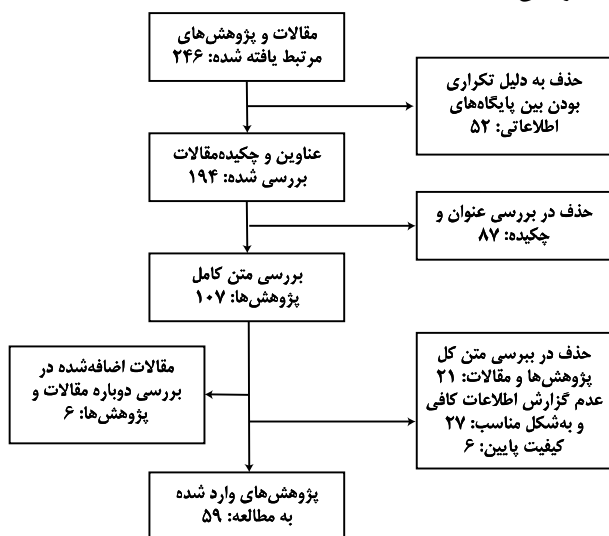
۲. روش پژوهش

در این مقاله از روش مرور نظام‌مند یا مرور سیستماتیک^۱ یا فراتحلیل^۲ کیفی استفاده کرده‌ایم. «امروزه فراتحلیل یا مرور سیستماتیک در بسیاری از حوزه‌های علم مورد پذیرش جامعه علمی و سیاست‌گذاران سراسر دنیا واقع شده است. واکاوی کیفی فرایند یا جریانی میان‌رشته‌ای، چندپارادایمی، چندروشی، تفسیری و طبیعت‌گرایانه است که امکان بررسی عمیق و معنادار پدیده‌ها و فرایندهای اجتماعی را فراهم می‌کند» (فلیک، ۱۳۸۶).

فرا ترکیب یا فراتحلیل کیفی، تلفیقی تفسیری از نتایج کیفی است که بیشتر بر سنتزهای تفسیری داده‌ها و شواهد مبتنی است (ودادهیر، ۱۳۸۹: ۳۲). مرور سیستماتیک در واقع یک مطالعه مشاهده‌ای بر روی مطالعات انجام شده موجود است (کوک^۳ و همکاران، ۱۹۹۷). هدف از انجام این پژوهش شناسایی تم‌های مهم در پژوهش‌های موجود سبک زندگی و

1. Systematic Review
2. Meta Analysis
3. Cook

تفسیر یافته‌ها و نتایج حاصله، همچنین بررسی روند دانشی و پژوهشی حاکم بر پژوهش‌های این حوزه در دهه‌های اخیر بوده است. جامعه مورد بررسی این مطالعه، پژوهش‌ها و مقالاتی بوده که از طریق جست‌وجوی کلیدواژه «سبک زندگی» در پایگاه‌های علمی علوم انسانی شامل پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایران داک)، کتابخانه ملی، پایگاه مجلات تخصصی نور (نورمگز)، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و مراجعه حضوری به کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌های شهر تهران (تهران، الزهراء، خوارزمی، شهید بهشتی، علامه طباطبایی، تربیت مدرس) شناسایی شدند. ۲۴۶ پژوهش رشته علوم اجتماعی که در عنوان آنها واژه سبک زندگی (به‌عنوان متغیر مستقل یا وابسته) ذکر شده بود شناسایی شده که از بین آنها پژوهش‌هایی که هدفشان بررسی سه متغیر اصلی سبک زندگی (مدیریت بدن، اوقات فراغت و مصرف کالاهای فرهنگی) بود، همچنین مراحل انجام تحقیق، مباحث نظری و روشی به‌طور کامل در آنها مشخص شده بود، گزینش شدند.



نمودار شماره ۱. فرایند بررسی و انتخاب پژوهش‌ها

بر این اساس جمعیت این مطالعه شامل ۲۸ مقاله، ۲۸ پایان‌نامه و ۳ کتاب (حاصل پژوهش و مجموعه مقالات پژوهشی) بوده است که در جدول شماره ۱ مشخص شده است.

جدول شماره ۱. جمعیت نمونه پژوهش

ردیف	نوع پژوهش	نام نویسنده (سال)	فراوانی	درصد
۱	پایان نامه	امینی (۱۳۹۲)، از دست (۱۳۸۸)، پارسا فرد (۱۳۸۸)، تیموری (۱۳۸۹)، حاجی عزیزی (۱۳۹۲)، حسینی رودبارکی (۱۳۸۷)، جوادی (۱۳۸۹)، چاوشیان (۱۳۸۱)، خانی (۱۳۸۶)، خرم‌جاه (۱۳۸۷)، رضایی (۱۳۸۸)، سازگارا (۱۳۸۲)، سعادت (۱۳۹۰)، شفیعی (۱۳۸۹)، شیخی نیگجه (۱۳۸۷)، عبدالکریم (۱۳۸۹)، غائب انانقر (۱۳۸۶)، فلاح (۱۳۸۷)، کریمی (۱۳۸۹)، کریم‌زاده (۱۳۸۹)، کشنیزجانی (۱۳۹۰)، گوشبر (۱۳۸۴)، محمدی (۱۳۹۲)، محمدی تلوار (۱۳۸۷)، مجمع (۱۳۸۷)، معدن‌دار (۱۳۸۸)، نیم‌زاد (۱۳۸۸)، ورزنده (۱۳۸۸)	۲۸	۴۷/۵
۲	مقاله	آزاده (۱۳۸۹)، ابراهیمی و بهنوئی (۱۳۸۹)، تنهایی و خرمی (۱۳۸۹)، حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۰)، حمیدی و فرجی (۱۳۸۶)، خواجه‌نوری، پرنیان و همت (۱۳۹۳)، خواجه‌نوری، روحانی و هاشمی (۱۳۹۱)، خواجه‌نوری، روحانی و هاشمی (۱۳۹۰)، خواجه‌نوری، ریاحی و مساوات (۱۳۹۲)، ربانی و رستگار (۱۳۸۷)، رحمت‌آبادی و آقابخشی (۱۳۸۵)، رفعت‌جاه (۱۳۸۷)، شالچی (۱۳۸۶)، صالح‌آبادی و سلیمی امان‌آباد (۱۳۹۱)، غیاثوند و قلی‌زاده (۱۳۸۹)، فاضلی (۱۳۸۶)، فکوهی (۱۳۸۶)، قادرزاده و ایران‌دوست (۱۳۹۳)، کردی و هادی‌زاده (۱۳۹۱)، کرمی قهی و زادسر (۱۳۹۲)، کفاشی و همکاران (۱۳۸۹)، گرجی و همکاران (۱۳۹۰)، مجدی و همکاران (۱۳۸۹)، محمدی و همکاران (۱۳۹۱)، مرشدی (۱۳۸۹)، مقدس جعفری و همکاران (۱۳۹۱)، نجارزاده (۱۳۹۱)	۲۸	۴۷/۵
۳	کتاب	پیراهری و عیبی (۱۳۹۲)، شهبانی (۱۳۸۶)، مهدوی کنی (۱۳۹۰)	۳	۵/۱
مجموع			۵۹	۱۰۰

برای شناخت بیشتر مسأله سبک زندگی، به محتوای پژوهش‌ها رجوع شد. ابتدا اهداف، سؤالات اصلی، ادبیات و چارچوب نظری، فرضیات پژوهش، روش تحقیق، متغیرهای مستقل و وابسته، یافته‌ها و نتایج پژوهش‌ها مکرراً بازخوانی و سپس کدگذاری مفاهیم انجام شد. پس از آن این کدها در قالب تم‌های اصلی هر پژوهش مشخص شدند که بعد از بازبینی مجدد تم‌ها، آنها را با رویکر کیفی تحلیل کرده و در نهایت در قالب جداول تک بعدی ارائه شدند. البته تنظیم جداول کمی در ذیل تم‌های احصاء شده، به جهت ارائه توصیفی شفاف از مفاهیم و یافته‌ها می‌باشد.

۳. یافته‌های پژوهش

داده‌های موجود در ارتباط با سبک زندگی در منابع بررسی شده، با هدف ارائه تحلیلی متقن و ارائه تصویری جامع از پژوهش‌های این حوزه ارائه شده است. یافته‌های حاصل از تحلیل نظام‌مند پژوهش‌های سبک زندگی به دو دسته ساختاری و محتوایی تقسیم شده‌اند. ساختار پژوهش‌ها از نظر جنسیت و مقطع تحصیلی پژوهشگران، روش‌ها و نظریه‌های استفاده شده و ... بررسی شد. در محتوای این پژوهش‌ها نیز به شناسایی تم‌ها و گونه‌های سبک زندگی پرداخته شد.

۳-۱. تحلیل نظام‌مند ساختار پژوهش‌های حوزه سبک زندگی

نظریه‌های استفاده شده، جنسیت، فراوانی پژوهش‌ها در سال‌های مختلف، مقطع تحصیلی محققان، روش‌های پژوهشی و تکنیک‌های گردآوری اطلاعات بکار گرفته شده، جمعیت آماری، حجم نمونه و تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات، بیانگر ساختار کلی پژوهش‌های حوزه سبک زندگی است که به آنها پرداخته می‌شود.

۳-۱-۱. نظریه‌های استفاده شده در پژوهش‌های سبک زندگی در ایران

در پژوهش‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های بررسی شده طیفی از مباحث نظری و نظریه‌ها مورد توجه قرار گرفته که به آنها اشاره می‌شود. در بررسی پیرامون دانش نظری استفاده و تولید شده در ارتباط با سبک زندگی، عمده نظریات در قالب نظریه بوردیو بوده است. مباحث سبک زندگی و قشربندی اجتماعی در کتاب «تمایز» (۱۹۸۴) توسط بوردیو نوشته شده و برای نخستین بار در سال ۱۹۷۹ در فرانسه منتشر شده است. علاقه اصلی بوردیو به‌طور عمده در شناسایی گروه‌های مختلف درون طبقات بالا، متوسط و پایین در یک جامعه بوده است. او گروه‌های مشاغل را با ویژگی‌های سبک زندگی توصیف کرده است، در نتیجه عناصر تحقیقات قشربندی سنتی با مفهوم «سبک زندگی» ترکیب شده است (بالاسیس و فردریش، ۲۰۰۸: ۲۴).

بوردیو با مفهوم «فضای اجتماعی» سبک‌های زندگی مختلف را نشان می‌دهد. فضای اجتماعی به این ترتیب ساخته می‌شود که عاملان و گروه‌های اجتماعی براساس حجم و میزان سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی با برخی افراد اشتراکاتی می‌یابند و با برخی دیگر فاصله پیدا می‌کنند. بنابراین، فضای اجتماعی بر مبنای سرمایه ساخته می‌شود. هر قدر سرمایه فرد بیشتر باشد، در فضای اجتماعی در موقعیت بالاتری قرار می‌گیرد. او استدلال می‌کند مردمی که به‌طور

نزدیک در یک فضایی اجتماعی قرار دارند، دارای مشابهت‌هایی بسیار هستند؛ حتی اگر هرگز یکدیگر را ندیده باشند. به عبارت دیگر، مردمی که در فضای اجتماعی مشابهی قرار دارند، ذائقه‌های مشابه و سبک‌های زندگی مشابه دارند. در واقع به ازای هر سطحی از موقعیت‌ها، سطحی از سبک‌های زندگی و ذائقه‌ها وجود دارد که بر اثر شرایط اجتماعی مناسب با آن به وجود می‌آیند و به وسیله این سلیقه‌ها و ظرفیت تکثیرکننده آنها، مجموعه انتظام یافته‌ای از ثروت‌ها و خصلت‌ها به وجود می‌آید که در درون خود از نوعی وحدت سیره‌ها برخوردارند (بوردیو، ۱۳۸۱: ۳۳ و ۳۵).

بوردیو از شبکه‌ای از مفاهیم بهره می‌گیرد که در نهایت نمی‌توان درباره تقدم و تأخر آنها سخن گفت، تنها وقتی همه آنها تشریح و شناخته می‌شوند، می‌توان طرحی از نظریه وی را مجسم کرد. از نظر او سبک زندگی متأثر از ذائقه و ذائقه پیامد منش و منش نیز محصول جایگاه فرد در ساختارهای عینی اجتماعی است. جایگاه فرد در ساختار اجتماعی که مشخص‌کننده میزان بهره‌مندی وی از انواع سرمایه است، منش وی را شکل می‌دهد و منش نیز مولد دو نوع نظام است: یکی نظامی از رویه‌های ادراک و ارزیابی، یعنی همان ذائقه و دیگری نظامی از رویه‌های ایجادکننده اعمال قابل طبقه‌بندی که تعامل این دو نظام سبک زندگی را ایجاد می‌کند. اما این یک طرف رابطه است؛ زیرا سبک زندگی و فرایندهای مصرفی به‌منزله تجلی آن، هم نظامی از اعمال طبقه‌بندی شده است و هم نظامی از اعمال طبقه‌بندی کننده. از این‌روست که فرآیندهای مصرفی خود به‌منزله متغیری مستقل در ایجاد سلسله مراتب اجتماعی مطرح‌اند. نکته مهم‌تر آن که رابطه منش و ساختار اجتماعی یک‌سویه نیست، بلکه بوردیو از رابطه دیالکتیکی شرایط و منش سخن می‌گوید که سبب تغییر در توزیع سرمایه و توزان رابطه قدرت در جامعه می‌شود و سیستمی از تفاوت‌های ادراک شده و دارایی‌های متمایز ایجاد می‌کند که در واقع همان توزیع سرمایه نمادین و سرمایه مشروعی است که حقیقت عینی را تحریف می‌کند (بوردیو، ۱۹۸۴: ۱۷۲). بوردیو کامل‌ترین نظریه درباره سبک زندگی را تاکنون ارائه کرده است. «کتاب تمایز وی را انجیل محققان در این زمینه می‌دانند. او بی‌گمان پرخواننده‌ترین جامعه‌شناسی است که درباره مصرف و سبک زندگی سخن گفته است. بخشی از این اقبال به اندیشه بوردیو ناشی از آن است که وی شاید تنها کسی باشد که بنیان فرض‌های نظری، شبکه‌ای از مفاهیم، گزاره‌های روشن و در نهایت خود او برای آزمون نظری آن نظریه تلاش کرده» (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۴ و ۳۶) و بین نظریه و عمل پیوند برقرار کرده است.

تحلیل نظام‌مند پژوهش‌های سبک زندگی... ۱۳۹

نزدیک به نیمی از منابع (۴۷/۴۵ درصد)، پژوهش خود را در قالب نظری بوردیو بررسی کرده‌اند که از این مقدار، بیشترین میزان استفاده از نظریه بوردیو (۶۹/۹ درصد) در منابع علمی بررسی شده در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ بوده است. ۳۰/۵۰ درصد در ادبیات نظری خود از نظریه‌های مختلف بهره برده‌اند؛ ۱۰/۱۶ درصد از نظریه گیدنز درباره سبک زندگی استفاده کرده‌اند که نشان می‌دهد نظریه گیدنز درباره سبک زندگی دومین نظریه پرکاربرد بین پژوهشگران بوده است.

گیدنز بر آن است که «سبک زندگی» بیشتر شبیه زائر در ادبیات و هنر است و مانند الگو یا نوعی شابلون انسان‌ها را قادر می‌سازد که به وسیله آن به نوعی حکایت‌گویی از خود بپردازند؛ سبک‌های زندگی‌ای که افراد برای خود برمی‌گزینند نه فقط نیازهای جاری آنها را برمی‌آورند بلکه روایت خاصی را هم که آنها برای هویت شخصی خود برگزیده‌اند، در برابر دیگران متجسم می‌سازند. هرچه وضع و حال فرد به دنیای مدرن - که ملازم با نوعی انتخاب است - تعلق داشته باشد، سبک زندگی او نیز با هسته واقعی هویت شخصی‌اش، ساخت و همچنین تجدید ساخت آن سر و کار خواهد داشت. هرچند که گیدنز سبک‌های زندگی را مولود انتخاب‌های دنیای مدرن می‌داند اما مفهوم وبری تحت تأثیر «شانس‌های زندگی» بر آن است که انتخاب سبک زندگی مشروط به شانس‌ها یا فرصت‌هایی است که نصیب هر فرد می‌شود. وی معتقد است که که ویژگی خاص مدرنیته پویایی، تأثیر جهان‌گستر و زیاد تغییر دادن رسوم سنتی است. به باور وی، سبک زندگی را می‌توان به مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردها، رفتارها یا الگوهای کنش انتخابی فرد، تعبیر کرد که فرد آنها را بکار می‌گیرد چون نه تنها نیازهای جاری او را برمی‌آورند بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است، در برابر دیگران متجسم می‌سازند (گیدنز، ۱۳۷۷). سبک زندگی روش الگومند مصرف، درک و ارزش‌گذاری محصولات فرهنگ مادی است که استقرار معیارهای هویتی را در چارچوب زمان و مکان ممکن می‌سازد (گیدنز، ۱۳۷۸).

جدول شماره ۲. چارچوب نظری استفاده‌شده در پژوهش‌های سبک زندگی

ردیف	چارچوب نظری	فراوانی	درصد
۱	بوردیو	۲۸	۴۷/۴۵
۲	طرح چند نظریه به عنوان ادبیات نظری (شوتس، سوبل، فیسک، هیداج، فدرستون و ...)	۱۸	۲۰/۵۰
۳	گیدنز	۶	۱۰/۱۶
۴	بوردیو و گیدنز	۵	۸/۴۷
۵	بوردیو و ویلن	۲	۳/۳۸
	مجموع	۵۹	۱۰۰

۳-۱-۲. جنسیت پژوهشگران حوزه سبک زندگی

همان طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، نزدیک به دوسوم (۶۱درصد) محققان در حوزه سبک زندگی مرد و بیش از یک‌سوم (۳۹درصد) محققان زن بوده‌اند.

جدول شماره ۳. جنسیت محقق اصلی یا مجری منابع بررسی شده

ردیف	جنسیت محقق	فراوانی	درصد
۱	زن	۲۳	۳۹
۲	مرد	۳۶	۶۱
مجموع		۵۹	۱۰۰

۳-۱-۳. فراوانی پژوهش‌های سبک زندگی در سال‌های مختلف

شواهد به‌دست آمده نشان می‌دهد که واژه سبک زندگی در اوایل دهه ۸۰ وارد ادبیات علوم انسانی و علوم اجتماعی ایران شده است. جست‌وجوی «سبک زندگی» در پایگاه‌های علمی نامبرده شده، نشان داد که در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ تنها ۴ پژوهش با عنوان سبک زندگی انجام شده است و در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ پژوهش با موضوع سبک زندگی به اوج خود رسیده و بیش از دو سوم پژوهش‌ها (۷۱/۲درصد) در این سال‌ها انجام شده است. بعد از یک دهه از ورود این اصطلاح به ادبیات علمی در ایران، در اوایل دهه ۹۰ به سبک زندگی در علوم اسلامی توجه نشان داده شد و توجه به سمت سبک زندگی اسلامی و پژوهش در این حوزه آغاز شد که نشانگر فاصله بین علوم اسلامی و علوم انسانی و عدم هماهنگی بین این دو در انجام پژوهش‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در جامعه است.

جدول شماره ۴. فراوانی پژوهش‌های سبک زندگی در سال‌های مختلف

ردیف	سال انجام پژوهش	فراوانی	درصد
۱	۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵	۴	۶/۸
۲	۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰	۴۲	۷۱/۲
۳	۱۳۹۰ و بیشتر	۱۳	۲۲
مجموع		۵۹	۱۰۰

۳-۱-۴. مقطع تحصیلی پژوهشگران سبک زندگی

یافته‌های جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که بیش از نیمی از محققان حوزه سبک زندگی دارای مدرک تحصیلی دکترای تخصصی یا دانشجوی دکتری تخصصی بوده و ۴۵/۸درصد فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی ارشد بوده‌اند.

همچنین بررسی رشته تخصصی محققان علوم انسانی نشان داد که اغلب پژوهش‌های حوزه سبک زندگی (بیش از ۹۰ درصد) توسط پژوهشگران رشته علوم اجتماعی با گرایش‌های مختلف (جامعه‌شناسی نظری و فرهنگی، مدیریت توسعه روستایی، پژوهشگری علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی و ...) انجام شده و تعداد بسیار اندکی از رشته‌هایی مانند مدیریت و روانشناسی در این حوزه پژوهش انجام داده‌اند.

جدول شماره ۵. مقطع تحصیلی محقق اصلی یا مجری منابع بررسی شده

ردیف	مقطع تحصیلی محقق	فراوانی	درصد
۱	کارشناسی ارشد	۲۷	۴۵/۸
۲	دکتری / دانشجوی دکتری	۳۲	۵۴/۲
	مجموع	۵۹	۱۰۰

۳-۱-۵. رویکردهای روشی و تکنیک‌های گردآوری اطلاعات در پژوهش‌های حوزه سبک زندگی

استخراج روش‌های بکار گرفته شده توسط پژوهشگران حوزه سبک زندگی نشان داد که بیشتر این پژوهش‌ها (۶۷/۸ درصد) از روش کمی و آمار توصیفی و استنباطی استفاده کرده‌اند و ۲۰/۳ درصد از روش‌های کیفی بهره برده‌اند. این آمارها بیانگر آن است که در این حوزه کمتر به آسیب‌شناسی و تحلیل سبک زندگی پرداخته شده است و در بیشتر تحقیقات تنها به اندازه‌گیری متغیرها و آزمون فرضیه‌ها و بررسی رابطه بین چند متغیر اکتفا شده است. همان‌طور که ذکر شد تقریباً نیمی از پژوهش‌ها از چارچوب نظری بوردیو استفاده کرده‌اند. با وجود آن که روش بوردیو در بررسی سبک زندگی ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی بوده است، اما در پژوهش‌های این حوزه تنها ۱۱/۹ درصد از روش‌های تحقیق ترکیبی استفاده شده است. سبک زندگی به عنوان یک پدیده پیچیده که تحت تأثیر عوامل بسیاری شکل گرفته، تأثیر می‌پذیرد و تغییر می‌یابد، استفاده از روش‌های ترکیبی برای بررسی و درک عمیق‌تر از این پدیده مؤثر است که مزایای هر دو رهیافت کمی و کیفی را داشته و معایب روشی این دو رهیافت را تا حدی برطرف نموده و دیدی چندبعدی به محقق می‌دهد.

جدول شماره ۶. روش‌های پژوهشی استفاده شده در حوزه سبک زندگی

ردیف	رویکرد روشی	فراوانی	درصد
۱	کمی	۴۰	۶۷/۸
۲	کیفی	۱۲	۲۰/۳
۳	ترکیبی	۷	۱۱/۹
	مجموع	۵۹	۱۰۰

همچنین از ابزار گردآوری اطلاعات متناسب با رویکردهای روشی در این پژوهش‌ها، بهره‌برداری شده است. با در نظر گرفتن آن که برخی از پژوهش‌ها به دلیل استفاده از رویکرد ترکیبی از هر دو ابزار گردآوری کمی و کیفی نیز استفاده کرده‌اند، ۶۹/۴ درصد از پرسشنامه، ۲۲/۱ درصد از مصاحبه، ۵/۹ درصد از مشاهده و ۲/۹ درصد از رجوع به اسناد استفاده کرده‌اند.

جدول شماره ۷. تکنیک جمع‌آوری اطلاعات

ردیف	تکنیک جمع‌آوری اطلاعات	فراوانی ۱	درصد
۱	پرسشنامه	۴۷	۶۹/۱
۲	مصاحبه	۱۵	۲۲/۱
۳	مشاهده	۴	۵/۹
۴	رجوع به اسناد	۲	۲/۹
مجموع		۶۸	۱۰۰

۳-۱-۶. جمعیت آماری پژوهش‌های سبک زندگی

در اینجا جمعیت آماری پژوهش‌های حوزه سبک زندگی مورد بررسی قرار گرفت. از ۵۹ پژوهش بررسی شده، ۴۸/۹ درصد در تهران و ۴۴ درصد در شهرستان‌ها انجام شده است. فقط ۳ تحقیق (۵/۱ درصد) پژوهش‌ها به تحقیق درباره سبک زندگی روستائیان پرداخته‌اند.

جدول شماره ۸. جامعه آماری پژوهش‌های سبک زندگی

ردیف	جامعه آماری	فراوانی	درصد
۱	تهران	۲۹	۴۸/۹
۲	شهرستان	۲۶	۴۴
۳	روستا	۳	۵/۱
۴	سایر موارد	۱	۱/۷
مجموع		۵۹	۱۰۰

۳-۲. تحلیل نظام‌مند محتوای پژوهش‌های حوزه سبک زندگی

همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد، محتوای پژوهش‌های سبک زندگی چند بار بازخوانی شد و نهایتاً تم‌های اصلی هر پژوهش استخراج شد. پژوهش‌های این حوزه با تأکید بر موضوع، به ده دسته موضوعی تقسیم شده‌اند.

این طبقه‌بندی به شرح زیر است:

۱. نظر به اینکه برخی پژوهش‌ها از دو ابزار گردآوری اطلاعات استفاده کرده بودند، مجموع فراوانی ابزارهای استفاده شده ۶۸ شده است.

تحلیل نظام‌مند پژوهش‌های سبک زندگی... ۱۴۳

۱۳ پژوهش (۲۲ درصد) گونه‌شناسی سبک زندگی؛ بررسی رابطه بین سبک زندگی و سرمایه فرهنگی (۱۶/۹ درصد)؛ سبک زندگی و دینداری (۱۳/۶ درصد)؛ سبک زندگی و طبقه (۱۱/۹ درصد)؛ سبک زندگی و هویت (۱۰/۲ درصد)؛ سبک زندگی و مناسبات نسلی (۶/۸ درصد)؛ سبک زندگی و رسانه (۶/۸ درصد)؛ بررسی عوامل مؤثر بر سبک زندگی (۵/۱ درصد)؛ سایر موارد (۵/۱ درصد)؛ سبک زندگی و سرمایه اجتماعی (۳/۴ درصد).

جدول شماره ۹. طبقه‌بندی موضوعی پژوهش‌های سبک زندگی

ردیف	طبقه‌بندی موضوعی	فراوانی	درصد
۱	گونه‌شناسی سبک زندگی	۱۳	۲۲
۲	سبک زندگی و سرمایه فرهنگی	۱۰	۱۶/۹
۳	سبک زندگی و دینداری	۸	۱۳/۶
۴	سبک زندگی و طبقه	۷	۱۱/۹
۵	سبک زندگی و هویت	۶	۱۰/۲
۶	سبک زندگی و مناسبات نسلی	۴	۶/۸
۷	سبک زندگی و رسانه	۳	۵/۱
۸	عوامل مؤثر بر سبک زندگی	۳	۵/۱
۹	سایر موارد	۳	۵/۱
۱۰	سبک زندگی و سرمایه اجتماعی	۲	۳/۴
	مجموع	۵۹	۱۰۰

۱-۲-۳. گونه‌شناسی سبک‌های زندگی در پژوهش‌های حوزه سبک زندگی

۲۲ درصد پژوهش‌های بررسی شده (۱۳ پژوهش) سبک‌های زندگی را طبقه‌بندی کرده‌اند. در اینجا براساس تعاریفی که پژوهشگران از گونه‌های سبک زندگی ارائه کرده‌اند، ۳۸ نوع سبک زندگی استخراج شد که با دسته‌بندی مجدد، به‌طور خلاصه در ۶ دسته طبقه‌بندی شدند.

سبک زندگی شبه مدرن: این نوع سبک زندگی در پژوهش‌های انجام شده با عناوین مدرن، غرب‌گرا، مدرگرایانه، واکنشی، مصرف‌گرایانه، مادی‌گرایانه، جهان‌وطنانه و رسانه‌محور مطرح شده است. افرادی که در این سنخ قرار گرفته‌اند، به‌طور معمول سرمایه فرهنگی پایین و سرمایه اقتصادی بالایی دارند. این افراد در مصرف، موسیقی، مدیریت بدن و پوشش، تناسب‌اندام و کنترل وزن، گذران اوقات فراغت از الگوی عامه‌پسند جهانی پیروی می‌کنند، میزان مطالعه پائینی دارند، هویتی جهانی دارند، به واجبات و اعتقادات دینی زیاد اهمیت نمی‌دهند.

سبک‌های زندگی پیشامدرن: آن‌را می‌توان با نام سبک‌های زندگی مذهبی، ارزشی، اخلاق-گرا، ایدئولوژیک، فقه‌محور، عرف‌گرا، سنتی، هم‌نویانه، متعارف، متعادل و بسیجی در پژوهش‌ها یافت. ویژگی‌های افرادی که چنین شیوه زندگی را برمی‌گزینند شامل این موارد است: از سرمایه فرهنگی و اقتصادی پائین برخوردارند، با سطح زندگی والدین هم‌نوائی دارند، در این افراد ورزش، مطالعه، مسافرت، گردش و تفریح کم‌اهمیت است، مدیریت بدن سنتی و پائین است، اعتقاد به خدا و ارزش‌های دینی اهمیت و جایگاه بالایی دارد، هویتی متعارف و مبتنی بر گفتمان مسلط دارند، از سطح تحصیلات پائینی برخوردارند.

سبک زندگی لذت‌محور: در پژوهش‌های انجام شده از این نوع سبک زندگی با نام شادزیست نیز نام برده شده است. این افراد از سرمایه اقتصادی بالا و سرمایه فرهنگی پائینی برخوردارند. تحصیلات پائینی دارند و شادی و لذت‌جویی در گذران اوقات فراغت، مدیریت بدن، مصرف کالاهای فرهنگی ترجیح می‌دهند. این دسته از افراد مطالعه نمی‌کنند، به دنبال موسیقی، تفریح و ورزش‌های شاد هستند.

سبک زندگی علم‌محور: افرادی که سبک زندگی علم‌محور دارند، از سرمایه فرهنگی بالا و سرمایه اقتصادی متوسط به بالا برخوردارند. این سبک زندگی، با عناوین فرهنگی، نخبه‌گرایانه یا روشنفکرانه نیز مطرح شده است. این افراد پوشش متعارف دارند، به مدیریت بدن اهمیت زیادی می‌دهند، به خداوند معتقدند و در دین بازانندیشی دارند، مطالعه زیادی دارند، اهل گوش دادن به موسیقی سنتی و بی‌کلام هستند، به ورزش می‌پردازند و برای گذران اوقات فراغت برنامه‌ریزی دارند.

سبک زندگی جهان‌محلی: این نوع سبک زندگی را به دلیل اهمیت بسیار زیاد فرهنگ قومی، سبک زندگی خرده‌فرهنگی نیز می‌گویند. این دسته از افراد گرایش زیادی به رسانه قومی، ورزش قومی، استفاده از لباس قومی و مطالعه قوم‌محور وجود دارد. افراد در این گونه از سبک زندگی سرمایه فرهنگی بالا و سرمایه اقتصادی متوسط دارند و دین عنصر تقویت قومی محسوب می‌شود. سبک زندگی ورزش‌محور: در این سبک زندگی، افراد از سرمایه اقتصادی متوسط و سرمایه فرهنگی پائین برخوردارند. سطح تحصیلات پائینی دارند، تناسب اندام و مدیریت بدن بالا است، مطالعه کردن، مسافرت رفتن، و تفریح در راستای ورزش است.

جدول شماره ۱۰. توزیع فراوانی گونه‌های سبک زندگی

ردیف	گونه‌ها	فراوانی	درصد
۱	شبه مدرن	۱۳	۳۴/۲۱
۲	پیشامدرن	۱۱	۲۸/۹۴
۳	لذت‌محور	۵	۱۳/۱۵
۴	علم‌محور	۴	۱۰/۵۲
۵	جهان‌محلی	۳	۷/۸۹
۶	ورزش‌محور	۲	۵/۲۸
	مجموع	۳۸	۱۰۰

۲-۲-۳. سبک زندگی و سرمایه فرهنگی

به‌طور معمول بیشتر پژوهش‌های حوزه سبک زندگی از سرمایه فرهنگی بوردیو برای سنجش این سرمایه استفاده کرده‌اند. او سرمایه فرهنگی را خصلت‌ها و عادات دیرپایی می‌داند که فرایند جامعه‌پذیری حاصل می‌شود و اهداف فرهنگی ارزشمندی مثل صلاحیت‌های تحصیلی و فرهیختگی را در بر می‌گیرد (آنها‌ی و همکاران، ۱۹۹۵). از سوی دیگر به اعتقاد وی، داشتن سرمایه فرهنگی کارکردهای مختلفی دارد: (۱) کسب مشروعیت از طریق بقیه سرمایه‌ها، منوط به تبدیل شدن آن‌ها به سرمایه فرهنگی است؛ (۲) داشتن سرمایه فرهنگی بدین معناست که فرد می‌تواند خود را از الزامات زندگی روزمره جدا کند و نوعی گزینش دلخواه در عرصه فرهنگ انجام دهد (لارن و وینگر^۱، ۲۰۰۳). او سرمایه فرهنگی را به سه دسته تقسیم می‌کند:

«سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته^۲: نوعی ثروت بیرونی است که به عنوان بخش جدایی‌ناپذیری از فرد درآمده است. این همان بخشی است که بوردیو آن را ابعاد سرمایه فرهنگی همراه با تولد می‌نامد که نمی‌توان آن را از طریق هدیه، خرید یا مبادله به دیگری منتقل نمود. این نوع سرمایه، به‌صورت آمادگی‌های مداوم ذهن و جسم تجلی می‌یابد.

سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته^۳: این سرمایه از بدیهی‌ترین و آشکارترین نوع سرمایه فرهنگی است که افراد جامعه می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته بیشتر به شکل کالاهای فرهنگی و اشیای مادی و رسانه‌هایی نظیر مجله‌ها، نقاشی‌ها، مجسمه‌ها، تصاویر، کتاب‌ها، لغت‌نامه‌ها، ابزارها، ماشین‌آلات و غیره تجسم می‌یابد و از ویژگی‌های بارز آن، قابل

1. Lareau and Weininger
2. Embodied cultural Capital
3. Objective Cultural Capital

انتقال بودن آن است. این سرمایه به نوعی در شکل اقتصادی هم مطرح است و نیز می‌تواند جنبه نمادی آن حفظ شود. به‌طور خلاصه، به همه اشیاء و کالاهای فرهنگی، سرمایه فرهنگی عینی می‌گویند؛ اما خصلت اساسی این سرمایه در این است که دربردارندگان آن اثر آموزشی می‌گذارد.

سرمایه فرهنگی نهادینه شده^۱: به قوانین و مقررات نهادینه شده اطلاق می‌شود که برای دارنده آن پایگاه اجتماعی ایجاد می‌کند. لازمه سرمایه فرهنگی نهادی، قبل از هر چیز، وجود افراد باصلاحیت و مستعد در جهت کسب انواع مدارک تحصیلی و دانشگاهی است. از طرف دیگر، مستلزم وجود نهادهای رسمی است، که هم این مدارک تحصیلی را صادر کنند و هم به آن رسمیت بخشند. از ویژگی‌های بارز این سرمایه، این است که به شکل پلی میان اقتصاد و فرهنگ عمل می‌کند و این توانایی را دارد که سرمایه فرهنگی را از طریق کاربرد آن به طرق معقول و رسمی، به نوعی سرمایه اقتصادی تبدیل نماید» (بوردیو، ۱۹۸۴: ۲۴۶).

رابطه بین سبک زندگی و سرمایه فرهنگی در ۱۲ منبع توسط پژوهشگران بررسی شده است. سبک زندگی در ۴ منبع به عنوان متغیر مستقل بررسی شده است: در ۳ پژوهش رابطه مثبت و مستقیمی بین سبک زندگی و سرمایه فرهنگی وجود داشته و در پژوهش حسینی رودبارکی (۱۳۸۷) این فرضیه رد شده که به نظر می‌رسد به دلیل تفاوت در جامعه آماری باشد. جامعه آماری سه پژوهش شیخی نیگجه (۱۳۸۷)، غائب اناقز (۱۳۸۶) و جوادی (۱۳۸۶) از شهرهای تهران و یزد بوده است، در حالی که جامعه آماری حسینی رودبارکی سه نسل از یک روستای گیلان بوده است. زندگی روستایی بر پایه «تولید»، «کار» و «تداوم استمرار سنت‌ها» سامان گرفته در حالی که سبک زندگی شهری بر پایه «مصرف»، «کار و فراغت» و «نوآوری فرهنگی» سامان گرفته است. فرهنگ روستا کلیت یکپارچه‌ای است که تعیین‌کننده ویژگی‌های زندگی افراد است در حالی که فرهنگ مردم شهری ناهمگون است. هر چند که با ورود رسانه‌های ارتباطی نوین به خانه‌های روستایی و بالا رفتن سطح تحصیلات و تغییر ذائقه در افراد نوجوانان و جوانان، تغییراتی در سبک زندگی روستائیان نیز به‌وجود آمده که میزان این تغییرات به میزان قوی بودن سنت‌های مسلط رایج در آن روستا بستگی دارد.

در ۸ پژوهش، رابطه بین سرمایه فرهنگی و سبک زندگی به عنوان متغیر وابسته بررسی شده است که نتایج تمام آنها حاکی از وجود رابطه بین این دو متغیر است. یعنی میزان سرمایه فرهنگی در انتخاب سبک زندگی تأثیر داشته است.

تحلیل نظام‌مند پژوهش‌های سبک زندگی... ۱۴۷

در بیشتر این پژوهش‌ها، سبک زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتاری و سلیقه‌های افراد در نظر گرفته شده که با شاخص‌های مدیریت بدن، هنجارهای مصرف، نحوه گذران اوقات فراغت، الگوی خرید و انتخاب لباس، [الگوی تغذیه و ترجیحات غذایی] تعریف شده است.

جدول شماره ۱۱. توزیع فراوانی فرضیه رابطه سبک زندگی و سرمایه فرهنگی

ردیف	فرضیه	فراوانی
۱	رابطه بین سبک زندگی (متغیر مستقل) و سرمایه فرهنگی	تأیید: ۳ رد: ۱
۲	رابطه بین سرمایه فرهنگی و سبک زندگی (متغیر وابسته)	تأیید: ۸ رد: ۰

۳-۲-۳. سبک زندگی و سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی

همان‌طور که نتایج جدول ۱۲ نشان می‌دهد، در بررسی رابطه بین سرمایه اقتصادی و اجتماعی با سبک زندگی، سبک زندگی به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. نتایج بیشتر پژوهش‌ها (۴ پژوهش از ۵ پژوهش انجام شده) بیانگر وجود رابطه مثبت و مستقیم بین سرمایه اقتصادی و سبک زندگی است. یعنی افزایش سرمایه اقتصادی در انتخاب سبک زندگی تأثیر داشته است. همه پژوهش‌ها، برای سنجش سرمایه اقتصادی، میزان و قیمت دارایی‌های مادی و درآمد خانواده و فرد را بررسی کرده‌اند. تنها در پژوهش تیموری (۱۳۸۹) با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر تغییرات سبک زندگی (مطالعه موردی روستای شیردار کلادر شهرستان بابل)» رابطه بین سرمایه اقتصادی و سبک زندگی تأیید نشد. بین پژوهش‌های انجام شده که این رابطه را بررسی کرده‌اند، تنها پژوهشی است که مردم روستا، جامعه آماری آن را تشکیل داده‌اند. در این پژوهش متغیر سرمایه اقتصادی تأثیر چندانی بر تغییر سبک زندگی روستائیان نداشته است. یافته‌های کیفی این پژوهش نیز نشان داد بیشتر افرادی که در روستا دارای سرمایه اقتصادی بالایی هستند، معمولاً جزء نسل اول یا دوم روستا می‌باشند. اما سرمایه اقتصادی، تأثیر چندانی بر شیوه زندگی آنان نداشته است.

تحقیقات بسیار اندکی به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و سبک زندگی پرداخته‌اند که در میان پژوهش‌های این حوزه تنها دو پژوهش به بررسی این رابطه پرداخته‌اند. نتایج پژوهش

کریمی (۱۳۸۹) که به روش پیمایش روی دانشجویان دانشگاه اصفهان انجام شده بود، نشان دهنده آن بود که بین این دو متغیر رابطه وجود ندارد و پژوهش فلاح (۱۳۸۷) با استفاده از روش تحقیقی ترکیبی کمی و کیفی بر روی جوانان ۱۸ تا ۲۳ ساله شهر تهران انجام شده بود، حاکی از وجود رابطه مثبت و مستقیم بین این دو متغیر بود. در هر دو پژوهش منظور از سرمایه اجتماعی میزان مشارکت و عضویت در گروه‌های اجتماعی بوده است.

جدول شماره ۱۲. توزیع فراوانی فرضیه رابطه سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی و سبک زندگی

ردیف	فرضیه		فراوانی
۱	رابطه بین سرمایه اقتصادی و سبک زندگی (متغیر وابسته)		تأیید: ۴ رد: ۱
۲	رابطه بین سرمایه اجتماعی و سبک زندگی (متغیر وابسته)		تأیید: ۱ رد: ۱

۳-۲-۴. سبک زندگی و دینداری

فرهنگ حاکم بر جامعه و شاخص‌های آن، بنیان الگوهای موجود در یک سبک زندگی خاص را تشکیل می‌دهد و فرهنگ نیز از عوامل متعددی اثر می‌گیرد که مهم‌ترین عامل آن، دین و آموزه‌های وحیانی است (فاضل قانع، ۱۳۹۲: ۳۳-۳۴). بورديو درباره جایگاه دین در نظریه خود معتقد است: دین سه نوع سرمایه در اختیار فرد قرار می‌دهد: (۱) دین، مشتمل بر یک جهان‌بینی و نظامی معنایی است و این سرمایه فرهنگی را در اختیار افراد می‌گذارد؛ (۲) دین دارای یک نظام نمادی و دارای شعائر است که به پیروان خود سرمایه‌ای نمادین می‌بخشد؛ (۳) دین دارای گروه یا اجتماعی از پیروان است و همچنین نهاد و سازمانی نسبتاً منسجم است که سرمایه اجتماعی را در هر جامعه پدید می‌آورد (بورديو، ۱۳۸۱: ۹۳ و ۱۷۵ به نقل از مهدوی کنی، ۱۳۹۰: ۲۲۱).

پس دین می‌تواند در ایجاد عادت‌واره‌ها، سلیقه و زیبایی‌شناسی و در نتیجه در سبک‌های زندگی نقش ایفا کرده و جدای از سبک‌های زندگی بخصوص دینی، در شکل‌گیری دیگر سبک‌های زندگی نیز دخیل باشد (مهدوی کنی، ۱۳۹۰: ۲۲۱).

۷ پژوهش (۱۲ درصد) از کل پژوهش‌های بررسی شده در حوزه سبک زندگی، رابطه دینداری و سبک زندگی (متغیر وابسته) را بررسی کرده‌اند. همه پژوهش‌ها وجود رابطه معکوس و منفی بین دینداری و سبک زندگی را تأیید کرده است. یعنی سبک زندگی افراد دیندار بیشتر بر اساس معیارهای دینی شکل گرفته و با بالا رفتن سطح دینداری، افراد در رفتار مصرف بیشتر صرفه‌جو

تحلیل نظام‌مند پژوهش‌های سبک زندگی... ۱۴۹

می‌شوند، سطح مدیریت بدن آنها سنتی‌تر و دین‌مدارتر است، رفتارهایی را که نماد فراغت عمومی را دارند، در آنها کمتر دیده می‌شود و بیشتر رفتارهایی که نماد فراغت مذهبی دارد، انجام می‌دهند. همچنین گرایش بیشتری به مصرف رسانه‌های داخلی دارند. شفیعی (۱۳۸۹) در پایان‌نامه دکتری خود به بررسی سیاست‌های فرهنگی دولت و الگوهای سبک زندگی دختران پرداخته است. او در بررسی رابطه بین این دو متغیر به این نتیجه دست یافت که دینداری با گرایش به الگوهای سبک زندگی رابطه وجود دارد. به این معنا که با افزایش میزان دینداری، انتخاب الگوهای سبک زندگی به سمت الگوهای همسو با سیاست فرهنگی دولت [حفظ سنت‌ها و ارزش‌های دینی در جامعه] میل می‌کند.

در جوامع مدرن کنونی برخی منابع و الگوهای هویت‌ساز مثل دینداری تضعیف شده یا تغییر کرده، البته در جامعه ایران، هنوز سنت‌ها، ارزش‌ها و دینداری سنتی در شکل‌گیری سبک زندگی نقش دارند. بدین معنا که هر چه «افراد دینداری سنتی داشته باشند، سبک زندگی‌شان سنتی‌تر است و افرادی که دارای دینداری شخصی یا گزینشی هستند، سبک زندگی مدرن‌تری دارند» (رحمانی فیروزجاه و سهرابی، ۱۳۹۲: ۵۷).

۳-۲-۵. سبک زندگی و هویت

جهانی شدن و مدرنیته دو عامل بسیار مهم در شکل‌گیری هویت و سبک زندگی به شمار می‌روند. «تحت تأثیر جهانی شدن، شاهد تجلی هویت چندوجهی هستیم و صور گوناگون هویت ایرانی در سطح جهانی، ملی و فردی خودنمایی می‌کند. ایرانیان هم مسلمان هستند و هم جهانی، در عین حال هم مذهبی‌اند و هم مدرن (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۱۳؛ خواجه‌نوری و مقدس، ۱۳۸۴: ۷). سبک زندگی یکی از ابعاد تجلی هویت در زندگی روزمره است. «از نظر بوردیو خواست افراد و گروه‌ها برای تمایزگذاری یعنی خواست برخورداری از یک هویت اجتماعی خاص است که هستی اجتماعی شخص یا گروه را ممکن می‌سازد» (بون‌ویتز، ۱۳۹۱: ۱۱۹).

سبک زندگی نقش مهمی در خلق هویت فردی و جمعی دارد و نگرش افراد را درباره مصرف، مدیریت بدن و روابط اجتماعی شکل می‌دهد. «نمای ظاهری فرد بیش از آن‌که نشان‌دهنده هویت شخصی او باشد، بیانگر هویت اجتماعی است» (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۴۴) و «هویت‌ها از طریق تمایز با دیگران گسترش می‌یابند» (تولین^۱، ۲۰۱۳: ۵۸).

۴ پژوهش (۷۲ درصد) پژوهش‌ها، سبک زندگی را در این حوزه بررسی کرده‌اند؛ ۳ پژوهش با روش کمی و ۱ پژوهش با روش کیفی به رابطه بین سبک زندگی و هویت پرداخته‌اند. در همه این پژوهش‌ها، سبک زندگی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است و نتایج آنها بیانگر وجود رابطه بین سبک زندگی و هویت بوده است.

محمدی تلوار (۱۳۸۷) در سبک زندگی، شاخص‌های مصرف فرهنگی، اوقات فراغت، مدیریت بدن و ارزش‌های اجتماعی را مطرح نظر داشته و رابطه آن با هویت اجتماعی و محلی را در بین جوانان شهر سنندج مطالعه کرده است. هویت اجتماعی را در سه بعد شناختی (میزان آگاهی و شناخت فرد از رویدادهای تاریخی، شخصیت‌های مهم گروه‌خواهی، نمادهای قومی و مذهبی)، بعد احساسی - عاطفی (میزان ابراز احساسات فرد نسبت به گروه و نسبت به افراد دیگری که رابطه خاص با آن گروه دارند) و بعد ارزشی (فرض‌هایی درباره پیامدهای ارزشی مثبت یا منفی عضویت گروهی) و هویت محلی را که شامل هویت‌های مذهبی، قومی و کردی است، بررسی کرده است. او در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که بین سبک زندگی و هویت اجتماعی رابطه وجود دارد. یعنی به میزانی که سبک زندگی افراد به سبک زندگی جهانی نزدیک‌تر می‌شود، هویت اجتماعی آنها نیز به هویت جهان‌وطنی نزدیک‌تر می‌شود. البته رابطه بین هویت قومی و سبک زندگی رابطه‌ای ضعیف است. «به‌رغم مشاهده الگوهای سبک زندگی جهانی به‌ویژه در مصرف فرهنگی و مدیریت بدن در میان جوانان سنندجی، این الگوها هنوز به‌عنوان عناصر هویت‌بخش جایگزین عناصر سنتی نشده‌اند و عناصر مذهب و قومیت اگرچه نه به‌مانند گذشته توان هویت‌بخشی خود را حفظ نموده‌اند. با این وجود، با رشد سریع شهرنشینی در سنندج و بالا رفتن میزان تحصیلات، طبقه متوسط جدید رشد کرده که می‌تواند خاستگاه یک هویت اجتماعی متفاوت باشد» (نایی و محمدی تلوار، ۱۳۹۲).

کفاشی و همکاران (۱۳۸۹) رابطه سبک زندگی (محصولات فرهنگی، فعالیت فراغتی، مدیریت بدن، الگوی تغذیه و الگوی خرید) و هویت اجتماعی (هویت‌های مذهبی، ملی، گروهی، خانوادگی و فردی) را در جوانان شهر بابل بررسی کردند و به این نتیجه دست یافتند که بین سبک زندگی و گونه‌های هویت اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد.

خواجانه‌نوری و همکاران (۱۳۹۳) نیز رابطه بین این دو متغیر را بین جوانان شهر بندرعباس با روش پیمایش بررسی کردند. شاخص‌های سبک زندگی در پژوهش او شامل مصرف محصولات

فرهنگی، فعالیت فراغتی، مدیریت بدن و الگوی خرید بود و شاخص‌های هویت اجتماعی شامل هویت‌های مذهبی، جنسیتی، ملی، قومی، گروهی و بدنی بود. نتیجه این پژوهش نیز مانند دو پژوهش قبلی حاکی از وجود رابطه بین این دو متغیر بود.

تنها پژوهشی که با روش کیفی به بررسی رابطه بین سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان پرداخته، توسط رحمت‌آبادی و آقابخشی (۱۳۸۵) انجام شده است. پژوهشگران در این مقاله به این نتیجه دست یافتند که در دهه اخیر فرایند سبک زندگی و هویت اجتماعی و شخصی به سمت گسستن از شالوده‌های ساختاری رفته و به فرایندهای انعکاسی تبدیل شده است. البته نه اینکه کسب هویت از طریق نمایش انتخاب‌های سلیقه‌ای مطلب جدید باشد، بلکه این کار به‌طور سنتی همیشه انجام می‌گرفته است، اما فقط گروه نخبه کوچکی قادر به تشخیص و به کارگیری علایم و نمادهای آن بوده‌اند.

۳-۲-۶. سبک زندگی و مناسبات نسلی

۴ پژوهش (۷ درصد) از پژوهش‌های حوزه سبک زندگی به تغییرات سبک زندگی بین نسل‌های مختلف اختصاص دارد. در این پژوهش‌ها سبک زندگی به عنوان متغیر وابسته به نسل در نظر گرفته شده است. دو پژوهش شیخی نیگجه (۱۳۸۷) و جوادی (۱۳۸۹) با روش تحقیق کمی به ترتیب نمونه خود را از بین دانش‌آموزان شهر تهران و زنان شهر یزد انتخاب کرده‌اند در حالی که دو پژوهش دیگر، تیموری (۱۳۸۹) و حسینی رودبارکی (۱۳۸۷) با روش ترکیبی کمی و کیفی به ترتیب در سه نسل از روستای شیرکلادر بابل و روستای آهنگر گرگان تغییرات سبک زندگی را مطالعه کرده‌اند. نتایج همه این پژوهش‌ها حاکی از تغییرات سبک زندگی در نسل جوان‌تر است. یافته‌های پژوهش تیموری نشان داد که نسل‌های سه‌گانه از الگوی واحدی در زمینه سبک زندگی پیروی نمی‌کنند. نسل جوان در نحوه گذران اوقات فراغت، الگوی تغذیه، پوشاک و ... از سبک زندگی مدرن‌تری پیروی می‌کنند. با افزایش سطح تحصیلات، ساختمان ذهنی نسل جوان نسبت به دو نسل دیگر دگرگون گشته و این امر بر عملکرد آن‌ها تأثیر گذاشته است که منجر به اتخاذ اعمالی خاص برای نمایش نوعی سبک زندگی متفاوت شده است. همچنین یافته‌های کیفی نشان داد که نسل اول به دلیل زندگی ساده و بی‌آلایشی که دارند و به‌واسطه کهولت سن و پابندی به سنت‌ها، مدرنیته در زندگی آنان رسوخ نکرده است.

همین نتیجه نیز در پژوهش حسینی رودبارکی به چشم می‌خورد. در روستای آهنگرمحله، افراد متعلق به نسل‌های مختلف به دلیل تفاوت جایگاه اجتماعی‌شان در جامعه، ساختمان‌های ذهنی متفاوتی دارند که بر ذائقه و عملکرد آن‌ها تأثیر می‌گذارد. نسل دوم و سوم به دلیل داشتن ساختمان ذهنی متفاوت از نسل اول، ذائقه‌ای متفاوت از آنها دارند که منجر به اتخاذ اعمال خاصی برای نمایش نوع سبک زندگی دلخواه می‌گردد.

مؤلفه‌های سبک زندگی در میان نسل سوم متفاوت از نسل‌های اول و دوم ساکن در روستاست. اما این تفاوت به معنای شکاف نسلی در روستا نیست، بلکه نسل‌های اول و دوم به نوعی با نسل سوم در بکارگیری سبک زندگی نوین همراه و در مواردی خود از آن تأثیر پذیرفته‌اند. در مجموع می‌توان گفت متغیر نسل نقش مهمی در تغییرات ایجاد شده در سبک زندگی روستایی دارد. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که مسیر تغییرات به سمت افزایش تقاضا برای خرید کالاهای مصرفی است. به طوری که «ضرورت تزئینی» وسایل زندگی بیشتر از «ضرورت کارکردی» آنهاست.

۳-۲-۷. سبک زندگی و مصرف رسانه‌ای

در این دوران، مردم بخش قابل توجهی از اوقات خود را با رسانه‌ها می‌گذرانند و مصرف رسانه‌ای با زندگی روزمره آمیخته شده است. «رسانه‌ها به ساختمان شدن زندگی روزمره کمک می‌کند. زندگی روزمره مبتنی بر عادت‌ها است و از رسانه‌ها برای عادت بخشیدن به زندگی استفاده می‌شود» (گیبینز و بوریمر، ۱۳۸۱: ۷۷).

همان‌طور که نتایج پژوهش‌های حوزه سبک زندگی نشان می‌دهد، سبک‌های زندگی که در رسانه‌ها نشان داده می‌شود، اغلب به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به ترویج سبک زندگی مصرفی و تجمل‌گرایی و تغییر در سبک زندگی افراد می‌پردازند (عیوضی، ۱۳۸۸). در سه پژوهشی که در این حوزه انجام شد، سبک زندگی به عنوان متغیر وابسته به مصرف رسانه‌ای بررسی شده است. یکی از نتایج به‌دست آمده از پایان‌نامه شفیع (۱۳۸۹) در بررسی سیاست‌های فرهنگی دولت و الگوهای سبک زندگی دختران این بود که بین مصرف رسانه‌ای با انتخاب الگوهای سبک زندگی رابطه وجود دارد. ربانی و رستگار (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان جوان، سبک زندگی و فرهنگ مصرفی به این نتیجه دست یافتند که به نظر می‌رسد میان متغیر مصرف رس جوانان با سبک

زندگی مصرفی رابطه وجود دارد رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد؛ یعنی هرچه میزان مصرف رسانه‌ای بالاتر بوده، گرایش به سبک زندگی مصرفی در میان پاسخگویان نیز بیشتر شده است. نتایج پژوهش خرم‌جاه (۱۳۸۷) با عنوان بررسی ارتباط بین رسانه و سبک زندگی نیز بیانگر وجود رابطه بین مصرف رسانه (تلویزیون و ماهواره) و سبک زندگی بوده است.

فرایند گسترش ارتباطات جهانی و تأثیر رسانه‌ها در تغییر سبک زندگی بسیار مهم است. در ایران افراد زیادی از مردم از ماهواره و شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند و به این دلیل که برنامه‌های ماهواره، اینترنت و شبکه‌های خارجی معمولاً به تبلیغات زیبایی اندام و صورت می‌پردازد؛ در واقع بر مصرف‌گرایی، تنوع‌طلبی، تجمل‌گرایی، لذت‌جویی و مدگرایی تأکید دارند، بنابراین، استفاده از این رسانه‌ها تأثیر به‌سزایی در خلق تمایز داشته است. نتایج پژوهش‌های (ربانی و رستگار، ۱۳۸۷؛ خرم‌جاه، ۱۳۸۷؛ شفیع، ۱۳۸۹) نیز تأیید کننده این امر است که بین مصرف رسانه‌ای با انتخاب الگوهای سبک زندگی رابطه وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

اصطلاح سبک زندگی از اوایل دهه ۸۰ وارد جامعه علمی ایران شد و پژوهش‌ها و مطالب علمی با این عنوان به رشته تحریر درآمد و در نیمه دوم دهه ۸۰ به اوج خود رسید. قبل از آن پژوهش‌ها و نوشته‌هایی پیرامون مفاهیمی که به‌عنوان مؤلفه‌ها و شاخص‌های سبک زندگی شناخته می‌شوند - مثل اوقات فراغت، مصرف کالاهای فرهنگی انجام شده بود اما مفهوم سبک زندگی برای آنها به کار نرفته بود. همچنین پژوهش‌هایی در قالب مدیریت بدن و در ارتباط با موضوع حجاب و عفاف که مفهوم و پدیده‌ای دینی و ارزشی است، پژوهش‌هایی انجام شده است. از اوایل دهه ۱۳۹۰ نیز مقامات، مسئولان و برخی پژوهشگران کشور به مفهوم سبک زندگی اسلامی پرداخته‌اند.

همان‌طور که ذکر شد این مطالعه نشان داد که در بیشتر پژوهش‌ها، سبک زندگی به‌عنوان مجموعه‌ای از نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها و رفتارها در نظر گرفته شده است. نزدیک به نیمی (۴۷/۴۵ درصد) از پژوهش‌های انجام شده در حوزه سبک زندگی از نظریه بورديو به عنوان چارچوب نظری استفاده کرده‌اند و روش کمی و پیمایش روش تحقیق غالب در این پژوهش‌ها بوده است به‌طوری که حدود دو سوم (۶۷/۸ درصد) از پژوهش‌های بررسی شده با روش کمی

انجام شده‌اند. تیپولوژی سبک زندگی، سبک زندگی و سرمایه فرهنگی، سبک زندگی و دینداری، سبک زندگی و طبقه موضوعاتی است که بیشترین اقبال پژوهشی را از سوی محققان داشته است. بیش از یک پنجم پژوهش‌های حوزه سبک زندگی (۲۲ درصد) به سنخ‌شناسی از سبک‌های زندگی پرداخته‌اند که به طور کلی در اینجا به شش دسته طبقه‌بندی شده‌اند: سبک‌های زندگی شبه‌مدرن، پیشامدرن، لذت‌محور، علم‌محور، جهان‌محلی و ورزش‌محور.

نتایج پژوهش‌های انجام شده نشان داد که سرمایه فرهنگی و دینداری دو متغیر بسیار تأثیرگذار بر انتخاب سبک زندگی بوده است؛ سرمایه فرهنگی عامل مهمی در تمایز و نابرابری بین سبک‌های زندگی به شمار می‌رود؛ همچنین بین دینداری و سبک زندگی مدرن به عنوان متغیر وابسته رابطه معکوس وجود داشته است و افراد دیندار گرایش بیشتری به سبک زندگی سنتی و مذهبی داشته‌اند.

در مقام جمع‌بندی پژوهش‌های حوزه سبک زندگی، نکات زیر قابل تأمل و ملاحظه است:

عدم انسجام و تفسیر صحیح از نظریه‌های استفاده شده: در کشور ما بیش از یک دهه است که پژوهش‌های دانشگاهی و علمی حوزه سبک زندگی انجام می‌شود و نظریه‌های استفاده شده در این حوزه معمولاً نظریه‌ها و نظریات غربی به ویژه نظریه بورديو بوده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد نزدیک به نیمی از پژوهش‌های بررسی شده از نظریه بورديو به‌عنوان مناسب‌ترین نظریه در این حوزه، برای چارچوب نظری پژوهش خود استفاده کرده بودند. نظریه‌های استفاده شده به‌عنوان چارچوب نظری به صورت‌های متفاوتی فهم و تفسیر شده و در برخی از مفاهیم و متغیرهای آن انسجام وجود ندارد. مثلاً از سرمایه فرهنگی بورديو - که خود شامل سه سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته (کتاب‌ها)، نهادی شده (مدارک تحصیلی) و درونی شده (عادت‌واره‌ها) است و او در تحلیل این سرمایه رابطه دو سویه ساختار و عامل را مدنظر داشته و نمودارهای ارائه شده وی براساس میزان حجم سرمایه و توزیع سرمایه بوده است - تفاسیر گوناگونی ارائه شده است. مثلاً پژوهش تیموری (۱۳۸۹) و حسینی رودبارکی (۱۳۸۷) سرمایه فرهنگی را شامل میزان تحصیلات پدر و مادر و پاسخگو و میزان مطالعه در نظر گرفته‌اند. همچنین در پژوهش غائب اناقز (۱۳۸۶) سرمایه فرهنگی تنها شامل مصرف فرهنگی بوده است. در پژوهش‌هایی که از نظریه بورديو استفاده شده کمتر از روش تحقیق و تجزیه و تحلیل اطلاعات بورديو استفاده شده است و در پژوهش‌های بسیار معدودی براساس شیوه بورديو، نمودارهای چندبعدی سبک زندگی ترسیم شده است.

روش‌های پژوهشی بکار رفته در پژوهش‌های سبک زندگی: روش تحقیق بیش از دو سوم پژوهش‌های داخلی، پیمایش بوده است که کاربرد آن به تنهایی روش مناسبی برای بررسی دقیق سبک زندگی نیست.

با توجه به آنکه از سویی سبک زندگی مفهومی است که با فرهنگ افراد جامعه پیوندی ناگسستگی دارد و مردم در زندگی روزانه خود در میدان‌های مختلف اجتماعی تعامل دارند و در هر فضا و میدان ممکن است سبک‌های زندگی متفاوت داشته باشند، محدودیت‌ها و فرصت‌های ساختار، و همچنین سرمایه‌های فردی و خانوادگی باعث پیچیدگی رفتارهای فرهنگی، تفاوت در شیوه‌های رفتاری و مدیریت بدن در فضاهای اجتماعی مختلف می‌شود، مردم در ارائه آمارهای مربوط به شیوه زندگی خود، اغلب اغراق کرده و اطلاعات واقعی از زندگی خود ارائه نمی‌دهند. فراستخواه (۱۳۹۴) نیز از آن به‌عنوان یکی از خلیقات ایرانیان یاد کرده است. بنابراین، روش تحقیق پیمایشی که شیوه تحقیقی اغلب این پژوهش‌هاست، نمی‌تواند به تنهایی شیوه مناسبی باشد، چراکه در بیشتر این تحقیقات، اطلاعات از طریق شیوه‌های مستقیم و به‌ویژه پرسشنامه گردآوری شده است و تنها تمرکز بر یک بعد یا ابعاد محدودی از سبک زندگی بوده است. برای کاهش خطا و اغراق در بیان ارقام از سوی پاسخگویان بهتر است از شیوه‌های غیرمستقیم و عمیق‌تر برای پرسش سؤالات، و از روش‌های تحقیق کیفی در کنار روش‌های کمی مربوط به سبک زندگی استفاده کرد؛ همان‌طور که روش‌های کمی و کیفی بصورت تلفیقی در تحقیقات این حوزه در سایر کشورها به‌ویژه در روش پژوهش بوردیوا استفاده شده است.

عدم دقت در طبقه‌بندی‌ها و شاخص‌ها: در اغلب پژوهش‌های انجام شده، مرز بین شاخص‌ها مشخص نبوده و اختلاط بین معرف‌های ارائه شده برای شاخص‌ها وجود داشته است. در برخی از پژوهش‌ها، طبقه‌بندی‌ها هم روشن، معنادار و مستقل نبوده و تعداد طبقه‌بندی ارائه شده بسیار زیاد بوده است. مثلاً هنجارهای مصرف فرهنگی، ۳۳ دسته بوده که استفاده از اینترنت یک دسته و چت اینترنتی دسته دیگر بوده است، در صورتی که می‌توان هر دو را در یک دسته قرار داد. شاخص‌هایی که در این پژوهش‌ها استفاده شده است، یکسان نبوده و انسجام نداشته‌اند. از آنجا که معرف‌های شاخص‌های سبک زندگی مانند اوقات فراغت و مصرف کالاهای فرهنگی یا مصرف کالاهای فرهنگی و مدیریت بدن بسیار به هم نزدیک هستند، احتمال اختلاط بین معرف‌ها و تکرار آنها در طبقه‌بندی‌های بسیار زیاد بوده است.

عدم توجه کافی به مسائل جدید در حوزه سبک زندگی: در عصری زندگی می‌کنیم که با پیشرفت علم و فناوری، ارتباطات و اطلاعات و ... روزافزونی مواجهیم که خود بر سبک زندگی انسان‌ها تأثیرگذار است. در پژوهش‌های انجام شده به‌ویژه در دهه ۹۰، بسیاری از این فناوری‌ها (مانند وسایل ارتباطی جدید؛ شبکه‌های اجتماعی مجازی، ماهواره‌ها و تلویزیون‌های خارجی) و مواردی که سبک زندگی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار داده، مغفول مانده یا کمتر مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه در معرف‌های اوقات فراغت شبکه‌های اجتماعی مجازی موبایل مانند تلگرام، واتس‌آپ، لاین و ...، کلاس‌های آموزشی رقص که امروزه بین جوانان ایرانی مرسوم شده، بررسی نشده و رابطه یا گذران وقت با جنس مخالف مؤلفه‌ای است که تنها در دو پژوهش رستگار خالد و کاوه (۱۳۹۱) و خواجه‌نوری و همکاران (۱۳۹۳) در معرف‌های گذران اوقات فراغت مورد توجه قرار گرفته است. البته لازم به ذکر است که این معرف در متغیرهایی مانند رفتار انحرافی، شیوه‌های همسرگزینی، ارزش‌ها و نگرش‌ها در نظر گرفته شده است و به برخی دیگر از متغیرهای تأثیرگذار مانند سرمایه اجتماعی بسیار کم پرداخته شده است.

از طرفی امروزه با توجه به رشد و گسترش تنوع‌طلبی افراد، سبک‌های زندگی التقاطی و در هم ریختگی طبقاتی به‌وجود آمده است. پیترسون به ذائقه همه‌چیزخواری اشاره دارد. برای پیترسون و کرن (۱۹۹۶: ۹۰۴)، ذائقه متنوع یا «همه‌چیزخواری»^۱ به معنی آزادی در درک هر چیزی است. افرادی که از این ذائقه برخوردارند، دارای سبک زندگی التقاطی هستند. در تأیید این نظر می‌توان به نتایج پژوهش گروه جامعه‌شناسی پژوهشکده مطالعات توسعه جهاد دانشگاهی واحد تهران (۱۳۸۹) درباره‌الگوهای مصرف فرهنگی دانشجویی و نسبت آن با شکل‌گیری هویت اجتماعی اشاره کرد که اختلاف چندانی میان دانشجویان متعلق به هویت‌های احصاشده از حیث میزان و نوع مصرف کالاهای فرهنگی دیده نمی‌شود و مصرف دانشجویان تابع الزاماتی است که به آن همه‌چیزخواری می‌گویند. همین امر حاکی از عمومی شدن الگوی مصرف در میان قشرها و طبقات مختلف بوده و شاهد نوعی درهم‌ریختگی طبقاتی هستیم و این ویژگی دگرگون شده باید در بررسی سبک زندگی در نظر گرفته شود.

1. Omnivores

منابع و مأخذ

- آزاده، اعظم (۱۳۸۹). ادعای پایگاهی و سبک زندگی فرهنگی و مادی. تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، **فصلنامه تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی**، شماره ۵۹: ۱۴۶-۱۲۹.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). **فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی شدن**. تهران: تمدن.
- ابراهیمی، قربانعلی و عباس بهنوئی گدنه (۱۳۸۹). «سبک زندگی جوانان: بررسی جامعه‌شناختی سبک زندگی و مؤلفه‌های آن بین پسران و دختران شهر بابلسر». **فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، شماره ۱۸: ۱۶۰-۱۳۵.
- ازدست، سیدناذر (۱۳۸۸). **سبک زندگی و مصرف موسیقی، فیلم و کتاب (مطالعه موردی جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال در شهر مهاباد)**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات فرهنگی و رسانه. به راهنمایی دکتر حمید عبداللهپیان، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- الیاسی، مجید و همکاران (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مؤثر بر مصرف کالاهای فرهنگی بین جوانان». **جامعه‌پژوهی فرهنگی**، شماره دوم: ۷۶-۵۵.
- امینی، فاطمه (۱۳۹۲). **سبک زندگی و میزان انزوای اجتماعی در میان بزرگسالان شهر تهران (۳۰-۶۴ سال)**. پایان‌نامه کارشناسی اشد رشته علوم اجتماعی. به راهنمایی دکتر محمدتقی شیخی. دانشگاه الزهراء(س).
- بورديو، پی‌یر (۱۳۸۱). **نظریه کنش**. ترجمه مرتضی مردیپها. تهران: انتشارات نقش و نگار.
- بون‌ویتز، پاتریس (۱۳۹۱). **درس‌هایی از جامعه‌شناسی پی‌یر بورديو**. ترجمه حسن پورسفیور. تهران: آگه.
- پارسافرد، نازلی (۱۳۸۸). **بررسی الگوهای سبک زندگی در میان زنان متأهل و شاغل ساکن منطقه ۶ تهران بر مبنای فعالیت‌های فراغت**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، به راهنمایی دکتر رحمت‌اله صدیق سروستانی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- پژوهشکده مطالعات توسعه جهاد دانشگاهی واحد تهران گروه جامعه‌شناسی (۱۳۸۹). **بررسی الگوهای مصرف فرهنگی دانشجویی و نسبت آن با نحوه شکل‌گیری هویت اجتماعی: مطالعه دانشجویان دانشگاه‌های تهران**. پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، طرح پژوهشی.
- پیراهری، نیر و فاطمه عبیدی (۱۳۹۲). **بررسی سبک زندگی بین دانشجویان**. مجموعه مقالات همایش ملی **تحولات سبک زندگی در ایران**، به سفارش اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، تهران: تیس، جلد دوم، چاپ اول: ۶۶۶-۶۴۱.
- تنهایی، ابوالحسن و شمسی خرمی (۱۳۸۹). «بررسی رابطه جامعه‌شناختی باورهای دینی و سبک زندگی بر اساس نظریه و روش گافمن، مطالعه موردی کرمانشاه». **فصلنامه پژوهش اجتماعی**، شماره ششم: ۹۱-۴۱.
- تیمری، آناهیتا (۱۳۸۹). **بررسی عوامل مؤثر بر تغییرات سبک زندگی (مطالعه موردی روستای شیردار کلادر شهرستان بابل)**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت توسعه روستایی، به راهنمایی دکتر سیداحمد فیروزآبادی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

- جوادی، زهرا سادات (۱۳۸۹). **بررسی میان نسلی سبک زندگی زنان (مطالعه موردی شهر یزد)**. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان، به راهنمایی دکتر حسین میرزائی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- چاوشیان تبریزی، حسن (۱۳۸۱). **سبک زندگی و هویت اجتماعی «مصرف و انتخاب‌های ذوقی به عنوان شالوده تمایز و تشابه اجتماعی در دوره اخیر مدرنیته»**. رساله دکتری جامعه‌شناسی، به راهنمایی دکتر تقی آزاد ارمکی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- حاجی عزیز، بهار (۱۳۹۲). **مطالعه رابطه دینداری و سبک زندگی**. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، به راهنمایی دکتر حسین سراج‌زاده، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی.
- حسین‌زاده فرمی، مهدی (۱۳۹۳). **ارزیابی تحلیلی وضعیت و تحولات سبک زندگی در کشور در دهه اخیر؛ به سوی الگوی اسلامی ایرانی سبک زندگی**. سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. مرکز نشر: مرکز الگوی اسلامی ایران پیشرفت: ۴۶-۱.
- حسینی رودبارکی، سکیته (۱۳۸۷). **بررسی تغییرات سبک زندگی در جامعه روستایی (مطالعه موردی روستای آهنگر از توابع گرگان)**. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات توسعه روستایی، به راهنمایی دکتر مصطفی ازکیا، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- حقیقتیان، منصور و همکاران (۱۳۹۰). «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر سبک زندگی دانشجویان شهر اصفهان». **فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، شماره ۳۳: ۱۴۲-۱۲۵.
- حمیدی، نفیسه و فرجی، مهدی (۱۳۸۶). «سبک زندگی و پوشش زنان در تهران». **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، شماره ۱: ۹۲-۶۵.
- حمیدی نور، حبیب (۱۳۹۴). **نگاه نو ۲**. گزارش سلسله نشست‌های علمی سبک زندگی اسلامی. مؤسسه فرهنگی هنری دین و معنویت آل یاسین.
- خانی، هادی (۱۳۸۶). **بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی و میزان دینداری بر سبک زندگی دانشجویان دانشگاه تربیت معلم تهران - حصارک**. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، به راهنمایی دکتر فاطمه جواهری، دانشگاه تربیت معلم.
- خرم‌جاه، مرجانه (۱۳۸۷). **بررسی ارتباط بین رسانه و سبک زندگی (مطالعه موردی شهر تهران)**. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، به راهنمایی دکتر شراره مهدیزاده، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء.
- خواجهنوری، بیژن، علی روحانی و سمیه هاشمی (۱۳۹۰). «سبک زندگی و مدیریت بدن». **فصلنامه جامعه‌شناسی زنان**، شماره چهارم: ۴۷-۲۱.
- خواجهنوری، بیژن، علی روحانی و سمیه هاشمی (۱۳۹۱). **گرایش به حجاب و سبک‌های متفاوت زندگی، مطالعه موردی: زنان شهر شیراز**. **فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی**، شماره ۴۷: ۱۶۶-۱۴۱.
- خواجهنوری، بیژن، زهرا ریاحی و سیدابراهیم مساوات (۱۳۹۲). «رابطه سبک زندگی با میزان دینداری جوانان: مورد مطالعه جوانان شیراز». **فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد واحد شوشتر**، شماره ۲۰: ۱۰۳-۱۳۰.
- خواجهنوری، بیژن، لیلا پرنیان و صغری همت (۱۳۹۳). «مطالعه رابطه سبک زندگی و هویت اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان شهر بندرعباس)». **فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران**، شماره ۱: ۹۴-۶۹.
- ربانی، رسول و یاسر رستگار (۱۳۸۷). «جوان، سبک زندگی و فرهنگ مصرفی». **ماهنامه مهندسی فرهنگی**، شماره ۲۳ و ۲۴: ۴۴-۵۳.

تحلیل نظام‌مند پژوهش‌های سبک زندگی... ۱۵۹

رحمانی فیروزجاه، علی و سعدیه سهرابی (۱۳۹۲). بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین سبک زندگی و دینداری (مطالعه موردی شهر ساری). **فصلنامه پژوهش‌های علم و دین**، شماره اول: ۶۰-۳۶.

رحمت‌آبادی، الهام و آقابخشی، حبیب (۱۳۸۵). «سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان». **فصلنامه رفاه اجتماعی**، شماره ۲۰، ۲۵۳-۲۳۵.

رستگار خالد، امیر و مهدی کاوه (۱۳۹۱). «بازنمایی سبک زندگی در سینمای دهه هشتاد». **فصلنامه جامعه‌شناسی هنر و ادبیات**، شماره ۱: ۱۴۳-۱۶۶.

رضایی، مصطفی (۱۳۸۸). **بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی بر سبک زندگی (مطالعه موردی: روستای گشت از توابع شهرستان فومن استان گیلان)**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته توسعه اجتماعی، به راهنمایی دکتر موسی عنبری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

رفت‌جاه، مریم (۱۳۸۷). «تأثیر موقعیت شغلی بر سبک زندگی زنان شاغل مطالعه‌ای در زنان شاغل وزارت بازرگانی». **مجله مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، شماره ۱۱: ۱۵۹-۱۳۷.

سازگارا، پروین (۱۳۸۲). **بررسی سبک زندگی قشر دانشگاهی و بازاریان سنتی (طبقه متوسط جدید و قدیم)**. رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی. به راهنمایی دکتر رحمت‌اله صدیق سروستانی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

سعادت، رفیعه (۱۳۹۰). **بررسی رابطه میزان دینداری و سبک زندگی دانشجویان دانشگاه خوارزمی کرج**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، به راهنمایی دکتر شهلا باقری، دانشگاه خوارزمی.

شالچی، وحید (۱۳۸۶). «سبک زندگی جوانان کافی شاپ». **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، شماره ۱: ۱۱۵-۹۳.

شفیعی، سمیه سادات (۱۳۸۹). سیاست‌های فرهنگی دولت و الگوهای سبک زندگی دختران. پایان‌نامه دکتر جامعه‌شناسی، به راهنمایی دکتر محمدسعید ذکائی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۵). **درباره سامانه. سامانه سبک زندگی اسلامی ایرانی**، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۵/۸/۱۲. نشانی تارنما: Szei.farhangoeim.ir

شهایی، محمود (۱۳۸۶). «سبک‌های زندگی جهان‌وطنانه در میان جوانان ایرانی و دلالت‌های سیاسی آن». **پژوهشنامه سبک زندگی**، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی: ۷۲-۳۹.

شیخی نیگجه، امید (۱۳۸۷). **بررسی مناسبات نسلی از منظر سبک‌های زندگی (مطالعه موردی دانش‌آموزان دبیرستانی مناطق ۶ و ۱۵ شهر تهران و پدران آنها در سال تحصیلی ۸۷-۸۶)**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، به راهنمایی دکتر سید ضیاء هاشمی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

صالح‌آبادی، ابراهیم و محسن سلیمی امان‌آباد (۱۳۹۱). «بررسی سبک زندگی جوانان و گرایش به مواد مخدر صنعتی در شهر شیروان». **فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان**، شماره ششم: ۷۰-۵۷.

عبدالکریم، محمد (۱۳۸۹). **بررسی نقش تلویزیون ماهواره‌ای دولتی سوریه و شبکه خصوصی المشرق در سبک زندگی دانشجویان دانشگاه دمشق**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم ارتباطات، به راهنمایی دکتر سیدرضا نقیب‌السادات، دانشگاه علامه طباطبائی.

عیوضی، غلامحسین (۱۳۸۸). «سبک زندگی تلویزیونی و مصرف». **فصلنامه فرهنگی - دفاعی زنان و خانواده**، شماره ۱۶: ۱۶۷-۱۴۳. غائب اناقز، فریده (۱۳۸۶). **سرمایه فرهنگی و تأثیر آن بر سبک زندگی دختران نوجوان شهر تهران**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان، به راهنمایی دکتر سهیلا صادقی فسایی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

غیاثوند، احمد و بهنام قلی‌زاده (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر سبک زندگی بر سبک مصرف کتب و نشریات». **فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات**. شماره ۱۸: ۵۴-۳۷.

فاضلی، محمد (۱۳۸۶). «تصویری از سبک زندگی فرهنگی جامعه دانشجویی». **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، شماره ۱: ۱۹۸-۱۷۵.

فاضلی، محمد (۱۳۸۲). **مصرف و سبک زندگی**. چاپ اول، تهران: انتشارات صبح صادق.

فرستخواه، مقصود (۱۳۹۴). **ما ایرانیان** (زمینه‌کاوی تاریخی و اجتماعی خلیقات ایرانی). چاپ یازدهم، تهران: نی.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۶). «خرده فرهنگ‌های اقلیتی و سبک زندگی روندها و چشم‌اندازها». **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، شماره ۱: ۱۴۳-۱۷۴.

فلاح، مهدی (۱۳۸۷). **بررسی سبک زندگی جوانان در شهر تهران** (عوامل مؤثر بر آن). پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، به راهنمایی دکتر بیژن زارع، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم.

فلیک، اووه (۱۳۸۶). **روشن تحقیق کیفی**. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.

قادرزاده، امید و سیدفهم ایران‌دوست (۱۳۹۳). مطالعه کیفی سنخ‌شناسی سبک‌های زندگی: مطالعه جوانان شهر مهاباد. جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و پنجم، شماره پیاپی (۵۵)، شماره سوم: ۱۶۱-۱۳۵.

کردی، حسین و سکینه هادیزاده (۱۳۹۱). «بررسی سبک زندگی زنان شاغل و غیرشاغل». **فصلنامه زن و جامعه**، شماره چهارم: ۴۱-۲۱.

کرمی قهی، محمدتقی و زینب زادسر (۱۳۹۲). «سنجش بررسی رابطه دینداری و سبک زندگی» (مطالعه موردی زنان ۲۰ ساله و بیشتر ساکن شهر تهران). **فصلنامه زن در فرهنگ و هنر**، دوره ۵: ۸۵-۱۰۱.

کریم‌زاده، لیلا (۱۳۸۹). **سبک زندگی و نگرش‌های تقدیرگرایانه**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، به راهنمایی دکتر محمدمهدی رحمتی، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان.

کریمی، یوسف (۱۳۸۹). **بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و سبک زندگی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، به راهنمایی دکتر ابوالقاسم فاتحی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.

کفاشی، مجید؛ منوچهر پهلوان و کاظم عباس‌نژاد عربی (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر سبک زندگی بر هویت اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان ۲۹-۱۵ ساله شهر بابل)». **فصلنامه پژوهش اجتماعی**، سال سوم، شماره نهم: ۱۳۹-۱۱۷.

گرچی پشته، مرضیه، امید پورکلهر و خدیجه گرچی (۱۳۹۰). **سنخ‌شناسی سبک زندگی جوانان (مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فلاورجان)**. همایش ملی آسیب‌شناسی مسائل جوانان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فلاورجان: ۱۱۴۷-۱۱۶۳.

گشنیزجانی، کامران (۱۳۹۰). **گونه‌شناسی سبک‌های زندگی در میان دانشجویان: مطالعه موردی در دانشگاه تهران**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، به راهنمایی دکتر وحید قاسمی، دانشگاه اصفهان، گروه علوم اجتماعی.

گوشیر، فرهاد (۱۳۸۴). **طبقه اجتماعی و سبک زندگی**. **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، به راهنمایی دکتر رحمت‌اله صدیق سروستانی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

گیبیزن، جان آر و بوریمر (۱۳۸۱). **سیاست پست مدرنیته**. ترجمه منصور انصاری. تهران: گام نو.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). **تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید**. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). **پیامدهای مدرنیته**. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.

مجمع، شهره (۱۳۸۷)، **بررسی الگوی پوشش جوانان** (سبک زندگی یا مقاومت؟) (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر منصوره اعظم آزاده، دانشگاه الزهراء(س)، دانشکده علوم اجتماعی.

مجدی، علی اکبر و همکاران (۱۳۸۹). «سبک زندگی جوانان ساکن شهر مشهد و رابطه آن با سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین». **مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد**: ۱۶۱-۱۳۱.

محمدی، زهرا (۱۳۹۲). **توصیف و تحلیل جامعه‌شناختی سبک زندگی دختران دانشجو دانشگاه خوارزمی**، روش نظریه مبنایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، به راهنمایی دکتر شهلا باقری، دانشگاه خوارزمی.

محمدی، جمال، ابوعلی ودادهیر و فردین محمدی (۱۳۹۱). «مناسبات سرمایه فرهنگی و سبک زندگی: پیمایشی در میان شهروندان طبقه متوسط شهر سمنجان، کردستان». **مجله جامعه‌شناسی ایران**، شماره ۴: ۲۳-۱.

محمدی تلوار، ستار (۱۳۸۷). **تأثیر سبک زندگی بر هویت اجتماعی (مطالعه موردی جوانان شهر سمنجان)**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، به راهنمایی دکتر هوشنگ نایی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

مرشدی، ابوالفضل (۱۳۸۹). «زیست‌جهان دانشجویان: به سوی چندگانگی مطالعه موردی: دانشگاه صنعتی امیرکبیر». **فصلنامه تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی**، شماره ۵۹: ۲۰۷-۱۷۱.

معین‌دار، لیلا (۱۳۸۸). **بررسی ارتباط پایگاه اقتصادی - اجتماعی، کسب زندگی و رضایت از زندگی مردم**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش‌گری علوم اجتماعی، به راهنمایی دکتر منصوره اعظم آزاده، دانشگاه الزهراء.

مقدس‌جعفری، محمدحسن و همکاران (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر عوامل فرهنگی بر سبک زندگی جوانان کافی شاپ در شهر اهواز». **فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی زنان**، شماره هفتم: ۱۲۸-۱۰۹.

مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۹۰). **دین و سبک زندگی**. چاپ سوم، تهران: دانشگاه امام صادق (ع). نایی، هوشنگ و ستار محمدی تلوار (۱۳۹۲). «تأثیر سبک زندگی بر هویت اجتماعی (مطالعه تجربی جوانان شهر سمنجان)».

مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴: ۱۵۹-۱۳۸.

نجاززاده، محمد (۱۳۹۱). **بررسی تفاوت‌های سبک زندگی گروه‌های شهری و روستایی در ارتباط با جهانی شدن فرهنگی (مطالعه موردی: اصفهان و روستاهای آن)**. جامعه‌شناسی کاربردی، شماره چهارم: ۱۶۴-۱۴۳.

نیمه‌زاد، فرح (۱۳۸۸). **طبقه متوسط، سبک زندگی گرایش‌های سیاسی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش علوم اجتماعی، به راهنمایی دکتر منصوره اعظم آزاده، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء.

ودادهیر، ابوعلی (۱۳۸۹). «فراترکیب نتایج واکاوی‌های کیفی و مطالعات فرهنگی: واقعیت یا توهم». **فصلنامه برگ فرهنگ**، شماره ۲۲: ۴۵-۲۴.

ورزنده قشلاق، ندا (۱۳۸۸). **بررسی تأثیر ساختار دانشگاه در سبک زندگی دانشجویان دانشگاه آزاد و دولتی**

با تأکید بر مصرف فرهنگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، به راهنمایی دکتر فرناز ناظرزاده کرمانی، دانشگاه الزهراء.

Bell, D. & Hollows, J. (2006). *Historicizing Lifestyle*. London: Ash-gate.

Benedikter, R., Anheier, M. & Juergen, S. (2011). *Lifestyle, The Sage Encyclopedia of Global Studies*, Illinois.

Bihagen, E. and Katz-Gerro, T. (2000). Culture consumption in Sweden: The stability of gender differences. *Poetics*, Vol 27(5), pp. 327-349, Available from: www.elsevier.nl/locate/poetic.

- Blasius a, J. & Friedrichs, J. (2008). Lifestyles in distressed neighborhoods A test of Bourdieu's "taste of necessity" hypothesis. *Poetics*, Vol. 36, pp. 24-44, Available from: www.elsevier.com/locate/poetic
- Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste*. London: Routledge.
- Chaney, D. (1996), *Lifestyles*. London: Sage Publications.
- Cook, Deborah & Mulrow, Cynthia & Haynes, Brian (1997). Systematic Review: Synthesis of best evidence for clinical decisions. *Annals of Internal Medicine*, Vol. 126, Issue 5, pp 376-380.
- Glass, Gene V. (1976). Primary, secondary, and meta-analysis of research. *Educational Researcher*, 5(10): 3-8.
- Katz-Gerro, T. (1999). Cultural Consumption and Social Stratification: Leisure Activities, Musical Tastes, and Social Location, *Sociological Perspectives*, Vol. 42, No. 4 (Winter, 1999), pp. 627-646, Published by: University of California Press, Available from: www.jstor.org/stable/1389577
- Lareau, Annette & Weininger, Elliot B. (2003). Cultural Capital in educational research: A critical assessment. *Theory and Society*, Vol 32: pp 567-606, Kluwer Academic Publishers. Printed in the Netherlands.
- Ollivier, M.(2008). Humanist, populist, practical, and indifferent modes of openness to cultural diversity. *Poetics*. Vol. 36, pp. 120-147.
- Peterson, R.A., Kern, R.M.(1996). Changing highbrow taste: from snob to omnivore. *American Sociological Review*. No. 61, pp. 900-907.
- Strauss. A. & J. Corbin (1998), *Basics of Qualitative Research.*, 2nd Edition, Newbury Park, California: Sage Publications.
- Streiner, D.L (2003) Meta - analysis : A 12 – step program. *Journal of Gambling Issues*, 9. Available from: <http://jgi.camh.net/doi/abs/10.4309/jgi.2003.9.14>
- Tolonen. T. (2013). Youth Cultures, Lifestyles and Social Class in Finnish Contexts", young, *Sage Publications and Young Editorial Group*, Vol. 21(1), pp 55-75, Available from: <http://you.sagepub.com>.